

«تأثیر پذیری شیخ شبستر از کلام، تعابیر و اندیشه های شیخ نشابور»

مجید نوری

دانش آموخته ی دوره ی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم
و تحقیقات

چکیده

تأثیر پذیری از شیوه ی سخن پردازی پیشینیان و به کارگیری الفاظ، تعابیر و اندیشه های بزرگان و نام آوران گذشته ی ادبیات پر بار منظوم و مثنوی فارسی، امری شایع و مسبوق به سابقه است. بیشتر فرهیختگان و مشاهیر ادب دیرپا و کهن فارسی در سروده ها و آثار خویش تحت تأثیر مضامین، اندیشه ها و صنایع و ظرایف آثار گذشته ی مردان بزرگ و برجسته ی زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته اند. در این عرصه از بزرگان و اندیشمندانی همچون مولوی، سعدی و حافظ می توان نام برد که بسیاری از تعابیر و مضامین یا صنایع مقتبس از دیگران را باز آفرینی و تکمیل نموده و از صاحبان اصلی آنها بهتر ادا کرده اند. در این جا مراد ما از پیشینیان، بزرگان سخن فارسی است که شیخ عطار یکی از این ستارگان قدر اول است. شاعر و عارف فاضل قرن هشتم، شیخ محمود شبستری، در آثار خود تحت تأثیر اندیشه ها و افکار شیخ نشابور یکی از سه مشاهیر شعر عرفانی فارسی، قرار گرفته است. در این مقاله نگارنده نمونه هایی از این اثر پذیری را با کندوکاو در آثار شیخ شبستر و شیخ نشابور ارائه نموده است تا مشخص شود، چگونه کلام ساده و گیرای عطار که با عشق و اشتیاقی سوزان همراه است، بزرگانی را همچون شیخ شبستری تحت تأثیر قرار داده و با کمند شوق به جانب مقصود راهبری نموده است.

کلیدواژه ها: شبستری، گلشن راز، سعادت نامه، عطار، اسرار نامه، منطق الطیر...

مقدمه

در پهنه‌ی گسترده‌ی ادب پر بار پارسی بسیارند شاعران و اندیشمندان و سخن پردازانی که در آثار و سروده‌های آنان می‌توان افکار، الفاظ، تعبیر و مضامین پیشینیان نام آور را به وضوح مشاهده کرد. معمولاً شاعران بزرگ و نامدار زبان فارسی در کلام خود از آثار شخصیت‌های برجسته و شاخص پیش از خود بهره‌ها برده‌اند. به طور مثال حضرت مولانا، در مثنوی شریف تحت تأثیر حدیقه‌ی سنایی و اسرار نامه‌ی عطار، قرار داشته است و جای هیچ شبهه نیست که سعدی، شاعر پرمایه‌ی شیراز، دیوان‌های شعر بیشتر اسلاف را از نظر تزیین خود گذرانیده و با دیده‌ی نقد به یکایک ابیات آنان نگریسته است، در میان شاعران عرب تحت تأثیر متنبی و جاحظ بوده و در میان شاعران فارسی از افکار و اندیشه‌های فردوسی، عنصری، سنایی، عطار، غزالی و... اثر پذیرفته است.^۱ دیگر شاعر و عارف بزرگی که تأثیر سخن پیشینیان در کلام او بسیار جلوه‌گر است، حافظ شیرازی می‌باشد و یکی از موضوعات مهم حافظ شناسی کندوکاو و بحث و فحص در کم و کیف تأثیر سخنان گذشتگان نامور بر سخن حافظ است، زیرا پیشینه‌ی بسیاری از تعبیر، مضامین، اندیشه‌ها و ظرایف شعری او را در آثار پیشینیان می‌یابیم که این شاعر هنرمند و صنعت‌گر بی‌بدیل تمامی آن‌ها را در صافی سخا خویشتن پرورده و باز آفرینی نموده و از صاحبان اصلی آنها بهتر ادا کرده است.^۲ اندیشمند و شاعر عارف دیگری که تأثیر معارف رایج عصر و کلام و اندیشه‌های بزرگان برجسته در آثار منظوم و مثنوی او نمایان است، شیخ محمود شبستری می‌باشد که بی‌شک امام محمد غزالی، شیخ محیی‌الدین ابن عربی و عطار نیشابوری از جمله‌ی آن‌ها هستند. در این مجال قصد ما فقط بررسی و روشن ساختن چگونگی تأثیر پذیری شیخ شبستر از افکار، اندیشه‌ها، تعبیر، الفاظ و مضامین شیخ نیشابور است که البته تحسین و اعجاب و علاقه‌ی او نسبت به عطار در

کلام وی در نمونه هایی که ذکر خواهد شد، به صراحت مشاهده می شود و نمایانگر طول انس شیخ شبستری با لطایف اسرار شیخ نشابور است.

*تأثر شبستری از شعر و اندیشه های عطار

شیخ محمود شبستری از عارفان و شاعران سده ی هشتم هجری است. طول عمر وی بیش از ۳۳ سال نبوده است. حدود سال ۶۸۷ هجری در قصبه ی شبستر آذربایجان دیده به جهان گشوده و در جوانی (سال ۷۲۰ ه. ق.) در همان ولایت روی در نقاب خاک کشیده است. هم اینک مزار این عارف عالم در شبستر وسط باغچه ای که به گلشن معروف است در جوار استادش «بهاء الدین یعقوب تبریزی» زیارتگاه اهل دل و مشتاقان اهل طریقت است. در مجمع الفصحا درباره ی شیخ محمود می خوانیم: «از مشاهیر فضلا و مشایخ زمان خود بوده و در عهد دولت الجایتو و ابوسعید خان، مرجع خواص و عوام و شهر تبریزش مقام.» (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۴، ص ۵۹)، دکتر ذبیح الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران، شیخ محمود را از شاعران متوسط پارسی گو و از عارفان مشهور قرن هشتم معرفی می کند. (ر. ک: صفا، ۱۳۸۶، ج ۲/۳، ص ۷۶۳).

تأثیر پذیری شیخ محمود شبستری از کلام و اندیشه های شیخ فرید الدین عطار نیشابوری هم در منظومه های گلشن راز و سعادت نامه و هم در رساله های منثور وی از جمله مرآت المحققین و مراتب العارفین پیداست؛ به طوری که شبستری در دو رساله ی اخیر برای اثبات مطالب طرح شده ی خویش، ابیاتی را از عطار نقل می کند. «شبستری چنانکه خود نیز اشاره می کند، الفت خاصی با آثار عطار داشته است و از همین جا ست که گاه لحن بیان او در گلشن راز به شیوه ی سروده های عطار نزدیک می شود.» (مؤحد، مقدمه ی مجموعه ی آثار شبستری، ۱۳۶۵، ۱۰ و ۱۱). حتی شیخ شبستری مثنوی گلشن راز را هموزن با مثنوی های اسرار نامه و الاهی نامه ی

عطار؛ یعنی، در بحر هزج مسدس محذوف سروده است.

میان اشعار شبستری و عطار از لحاظ لفظ و معنی گاه همانندی‌هایی دیده می‌شود، مقایسه‌ی این مشابَهت‌ها نمایان می‌کند که سراینده‌ی منظومه‌های گلشن راز و سعادت‌نامه در سروده‌های خویش تحت تأثیر عطار و افکار و اندیشه‌های او بوده است. شیخ محمود با وجود شاعر بزرگ و اندیشمندی چون عطار، شاعری را برای خویش ننگ نمی‌داند، و با این که سخنان حکیمانه و توأم با معارف او در گلشن راز صد عالم اسرار را بیان می‌کند، باز از نظر او در برابر آثار عطار به اندازه‌ی بسیار ناچیز و یک بوی خوش و یک شمه بیش نیست و معتقد است، نظم گلشن راز و هر آن معنی که در این کتاب ذکر شده، به شیوه‌ی هماهنگی و همراهی و موافقت موضوع در عرفان است که با آثار عطار همانند گردیده است و از باب استراق سمع و انتحال نیست. در گلشن راز ارادت خود را به عطار این چنین ابراز می‌دارد:

مرا از شاعری خود عار ناید که در صد قرن چون عطار ناید
 اگرچه زین نمط صدعالم اسرار بود یک شمه از دکان عطار
 ولی این بر سبیل اتفاق است نه چون دیوازفرشته استراق است

(گلشن راز، ابیات ۵۶-۵۸)

این تعظیم و تحسین نسبت به عطار در کلام شیخ شبستری حاکی از تأمل و تعمق و اُتس دیرینه با سخنان شیخ عطار است. با وجود این شبستری به شعر و شاعری علاقه‌ای نشان نمی‌دهد و قید وزن و نظم و قافیه را از عوایق تبیین معنی می‌داند. از نظر او کلمه و کلام نمی‌تواند حرف دل را به طور کامل بیان کند، چنانکه دریا نیز در ظرف نمی‌گنجد. از نظر او عروض و قافیه ترازوی مناسبی برای معنی نیست.

عروض و قافیه معنی نسنجد به هر ظرفی درو معنی نگنجد
 معانی هرگز اندر حرف ناید که بحر قُلم اندر ظرف ناید

(همان، ابیات ۵۲-۵۳)

یقین می‌دان که هر حرف از کتابت بُت است و بُت بُود بی شک حجابت
 کنون بیدار شو از خواب هستی رها کن بعد ازین، این بت پرستی
 (همان، ابیات ۳۱۹۰-۳۱۹۳)

دکتر عبدالحسین زرین کوب درباره‌ی ارادت شیخ شبستر به شیخ نشابور می‌نویسد:
 «شیخ شبستری با اشارت به شیخ عطار و شعر او، هم از این که خود را با او می‌سنجد
 اعتذار می‌جوید و هم از این که با وجود اشتغال به شعر و شاعری از آن حرفه، به
 نحو صریح و قاطعی تبرّی و ترفع نماید، خودداری می‌کند و این تحسین و اعجاب
 نسبت به عطار در کلام او نیز حاکی از تعمق در لطایف اسرار شیخ نشابور است و
 البته آن کس که در آن معانی تعمق و تأمل ندارد، از فهم تمام لطایف عطار مهجور
 است، اما شیخ شبستر که از شعر، خاصه شعر تعلیمی اهل تصوف نظر به معنی دارد،
 آن اندازه با دقایق بیان عطار آشناست که بتواند عظمت و عمق کلام او را درک کند و
 مجرد اشتغالش را به شعر برای خود نیز مجوزی برای پرداختن به آن بشمرد...» (زرین
 کوب، ۱۳۷۹، ۲۶۲)

تفاوت عمده‌ی شبستری با شاعرانی همچون سنایی، عطار و مولوی در این است
 که وی می‌کوشد نظم خویش را تا حد امکان صورت تقریر علمی دهد و آن را خالی
 از پیرایه‌ها و تکلفات شعری و عاری از تصاویر و مبالغه‌های شاعرانه نماید. در
 منظومه‌ی کوتاه و پر مغز و هزاربیتی گلشن راز، از امثال و حکایات و تصویرهای
 خیالی خبری نیست و منظومه‌ی سعادت‌نامه، جز چند مورد نادر همین ویژگی را
 داراست، «بدینگونه تعلیم عرفانی در نزد عطار و مولانا ذوق شعر دارد، اما در بیان
 سراینده‌ی گلشن راز صبغه‌ی تعلیم پیدا می‌کند و ناظر به تقریر و اثبات معنی منظور
 می‌گردد.» (همان، ۲۶۶)

اینک تأثیراتی را که شبستری به طور مستقیم یا غیر مستقیم از عطار پذیرفته، از درون آثار این دو شاعر عارف می‌کاویم و نمونه‌هایی را ارائه می‌دهیم.

۱- عطار: اگر خواهیم در یکطرفه العین پدید آریم در هر ذره کونین
(اسرار نامه، بیت ۱۸۹۲)

شبستری: توانایی که در یکطرفه العین ز کاف و نون پدید آورد کونین
(گلشن راز، بیت ۳)

۲- عطار: ورای عقل، چندان طور بیش است که بُعد و هم رادر غور بیش است
(اسرار نامه، بیت ۷۸۷)

شبستری: ورای عقل طوری دارد انسان که بشناسد بدان اسرار پنهان
(گلشن راز، بیت ۴۲۹)

شبستری: خود به نزد کسی که بیدار است ماورای عقول اطوار است
(سعادت نامه، بیت ۶۹۲)

۳- عطار: تو تا یک بارگی جان در نبازی جنب دانم ترا و نا نمازی
(اسرار نامه، بیت ۹۳۵)

شبستری: تو تا خود را به کلی در نبازی نمازت کی شود هرگز نمازی
(گلشن راز، بیت ۴۱۰)

۴- عطار: مبادت هیچ با نادان سر و کار که تا زو ناردت جان کاستن بار
(اسرار نامه، بیت ۳۰۷۱)

شبستری: مبادا هیچ با عامت سرو کار که از فطرت شوی ناگه نگونسار
(گلشن راز، بیت ۹۰۱)

۵- عطار: برو سودای بیهوده میماید منہ بیرون ز حد خویشتن پای
(اسرار نامه، بیت ۸۴)

۱۳- عطار: واصفان را وصفِ او در خوردنیست لایق هر مرد و هر نامردنیست
عجز از آن همشیره شد با معرفت کونه در شرح آید و نه در صفت
(منطق الطیر، ابیات ۱۰۴-۱۰۵)

شبستری: عجز از ادراک گفت ادراک است آنکه را دید و مذهب پاک است
(سعادت نامه، بیت ۱۵۱۱)

شبستری: چه نسبت خاک را با عالم پاک که ادراک است، عجز از درکِ ادراک
(گلشن راز، بیت ۱۲۵)

در تمهیدات عین القضاة آمده است: «مگر ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - از این جا گفت: «العجز عن درکِ الإدراکِ إدراکٌ» یعنی، معرفت و ادراک آن باشد که همگی عارف را بخورد، تا عارف ادراک نتواند کرد که مدرک است یا نه.» (همدانی، ۱۳۷۳، ۵۸)، در کشف المحجوب نیز می خوانیم: «علم بنده جهل بود بعلم خداوند عزّ اسمه باید کی چندان بدانی که ندانی و این آن معنی بود که بنده جز علم بندگی نتواند دانست و بندگی حجاب اعظم است از خداوندی، یکی اندرین معنی گوید، شعر:

العجز عن درکِ الإدراکِ إدراکٌ والوقوف فی طریق الاخیار إشراکٌ
(هجویری غزنوی، ۱۳۷۱، ۲۱)

یعنی، در مورد ذات حق، معرفت انسانی آمیخته به عجز است، یا کمال معرفت، جز در صورت عجز آشکار نمی شود. بی گمان در این مورد شبستری غیر از عطار، تحت تاثیر بزرگانی چون هجویری غزنوی، امام محمد غزالی، عین القضاة همدانی و دیگران قرار گرفته است.^۵

۱۴- داستان «پشه و درخت» در منظومه سعادت نامه شبستری به احتمال قریب به یقین مأخوذ از یک حکایت مشابه در مصیبت نامه عطار است.

عطار: کرد روزی چند، سارحکی قرار بر درختی، بس قوی، یعنی چنار

به هر ساعت جوان و کهنه پیراست به هر دم اندر او حشرو نشیراست

درو چیزی دوساعت می نیاید در آن لحظه که می میرد بزاید

(گلشن راز، ابیات ۶۴۳-۶۴۶)

۱۶- عطار: همان مذهب که مشتی پیرزن راست مرآن مذهب است، اینک سخن راست!

بسی بشناس و چون من گرد عاجز علی الحق این بود دینِ عجایز

(اسرار نامه، ابیات ۷۹۰-۷۹۱)

شبستری: چه کردی فهم از دین العجایز که بر خود جهل می داری تو جایز

(گلشن راز، بیت ۱۸۴)

مضمون ابیات اشاره به عبارت "عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ" (بر شما باد ایمانی از نوع

ایمان پیر زنان) دارد که آن را به عنوان حدیث نقل کرده اند و برخی از ناقدان حدیث

آن را مردود شمرده اند. (ر.ک: تعلیقات اسرار نامه، ص ۳۲۷). این نکته قابل ذکر است

که شبستری «حتی وقتی قول مدعی را که با تمسک به اشارت علیکم بدین العجائز

از تفکر و تأمل روحانی باز می ایستد، معروض نقود طعن می سازد، با آن که عطار

هم در مواردی با قول مدعی توافق نشان می دهد؛ تعریض وی متوجه طرز تلقی او

نیست. حاصل قول عطار را ضمن نفی آنچه مستمسک مدعی بیدرد جاهل است، قابل

تأیید هم می داند.» (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۲۶۴)

۱۷- عطار: نکو گویی نکو گفته ست در ذات که «التوحید اسقاط الاضافات»

(اسرار نامه، بیت ۵۵)

شبستری: نشانی داده اندت از خرابات که «التوحید اسقاط الاضافات»

(گلشن راز، بیت ۸۳۵)

۱۸- نقل ابیاتی چند از عطار در رساله های مثنوی "مرآت المحققین" و "مراتب

العارفین" نمونه هایی دیگر از توجه و علاقه ی شیخ به کلام عطار را نشان می دهد.

نکته ی قابل ذکر دیگر این است که لاهیجی شارح فاضل گلشن راز نیز در شرح مبسوط و کامل خود بارها به ابیات منظومه های عرفانی عطار، استشهاد می جوید و ابیاتی چند را نقل می کند.^۷

از جمله در شرح بیت ۵۲۱ گلشن راز می نویسد: «شیخ فرید الدین عطار - قدس سره - در حکایت «شیخ صنعان» که مریدان نصیحت وی می نمودند که ترک عشقبازی کن، می فرماید که شعر:

دیگری گفتش که دوزخ در ره است مرد دوزخ نیست هر کو آگه است
گفت اگر دوزخ شود همراه من هفت دوزخ سوزد از یک آه من»
(لاهیجی، ۱۳۸۷، ۳۵۶)

*نتیجه:

از مجموع مباحث این مقاله روشن می شود که شیخ محمود شبستری در آثار منظوم و منثور خویش تحت تأثیر افکار و اندیشه های عطار قرار داشته است و در جای جای کلام منظوم و منثور وی، ردّ پا و اثر افکار، اندیشه ها، مضامین و الفاظ این شاعر بزرگ پیداست. گرچه خود شبستری بر این باور است که شباهت قول او با کلام عطار بر سبیل توارد در مضامین مشترک است، نه تقلید از عطار و دیگران و از باب استراق سمع، چون دیو از ملک نیست.

تحسین و اعجاب شبستری نسبت به عطار حاکی از غور و تعمق در لطایف و سخنان شیخ نیشابور است. شیخ محمود که از شعر، به ویژه شعر تعلیمی صوفیه صرفاً نظر به معنی دارد، آن اندازه با دقایق بیان عطار آشناست که می تواند به راحتی عظمت و عمق تأثیر کلام او را درک کند و منظومه ی پر مغز گلشن راز خویش را که در میان آثار منظوم عرفانی زبان فارسی، قبولی کم نظیر و شهرت جهانی دارد و صد عالم اسرار در آن نهفته است، فقط یک شمه از دکان عطار بشمارد و این چنین عالمانه و

از جمله نگاه کنید به صفحات: ۳۸، ۳۱۱، ۳۵۶، ۵۱۲ که صراحتاً از عطار نام می برد
و از آغاز تا انجام شرح خویش، بدون ذکر نام عطار اشعاری از منظومه ها و عباراتی
از کتاب تذکره الأولیای او نقل می کند.



